



برخورد سفالگران تبریز در تاثیرات سفال چین در دوره صفوی

فروزان انصاری نیا*

دانشجوی کارشناسی ارشد هنر اسلامی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه کاشان

چکیده

علیرغم سابقه تاثیرگذاری سفالگران چین بر ایران، این تاثیرگذاری طی دوره صفوی، بخصوص در زمینه سفال آبی و سفید در تبریز نمود ویژه ای داشته است و بررسی و مقایسه تفاوت و شباهت های تاثیرپذیری هنرمندان تبریز از طرح و نقش هنر چین و نوع برخورد سفالگران تبریز می تواند نقش مهمی در شناخت تغییر و تحولات نقوش سفالینه ها داشته باشد. در مقاله پیش رو با مطالعه و مقایسه تعدادی از سفالینه های تبریز و چین، تاثیرات طرح و نقش سفالینه های چین بر تبریز و نوع برخورد سفالگران تبریز از این تاثیرات بررسی می شود. روش این تحقیق توصیفی، تحلیلی بوده و اطلاعات آن با انجام مطالعات کتابخانه ای جمع آوری شده است. حاصل این پژوهش مقایسه جامع و کامل از طرح و نقش سفالینه های تبریز و چین است که نشان می دهد هنرمندان تبریز اگرچه در ابتدا برخی از مایه های تزئینی را از چینی ها اقتباس کردند ولی در استمرار این تاثیرپذیری ها ما شاهد افزایش نقشمایه هایی با ترکیب و تلفیق عناصر اسلامی و چینی هستیم، تا جایی که می توان گفت سفالگران تبریز توانستند این تاثیرات را رنگ و بویی ایرانی بخشند.

واژگان کلیدی:

تبریز، چین، سفال، صفوی، آبی سفید

مقدمه

یکی از عوامل تاثیرگذار بر سفالینه های تبریز چه در زمینه تکنیک ساخت و نوع نقش ها، جغرافیای آن به عنوان یک مسیر تجارتي مهم، در گذشته بوده است. یکی از دلایل بسیار مهم که باعث شده است تبریز بعنوان مرکز تجاری جهان قدیم بر سر زبانها و نقل سیاحت نامه ها باشد، عبور جاده ابریشم از شهر تبریز بوده که قطعا باعث رونق روز افزون این شهر گردیده است و بازرگانان و تجار برای داد و ستد با یکدیگر از شهر تبریز عبور می کردند و جاده ابریشم باعث گسترش ارتباط بین تمدن های شرق دور، به خصوص چین می گشت. چین از طریق این شاهراه، تجارت خود را به ایران صادر می کرد. از جمله

کالاهای مورد تقاضای چین در ایران سفالینه های آبی سفید بود که در دوره صفویه بر تکنیک ساخت و همچنین نقوش مورد استفاده بر سفالینه های تبریز تاثیر گذاشته است. سفالگران تبریز ابتدا از نقوش سفالینه های چین کپی برداری می کردند اما به مرور زمان توانستند در آثار خود به نوآوری پرداخته و ظروفی نقاشی کنند که حال و هوایی ایرانی داشته باشد. مقاله پیش رو می کوشد با مقایسه سفالینه های چین و تبریز به نوع برخورد سفالگران تبریز از تاثیرپذیری نقوش چین، دست یابد و همچنین این مسئله که سفالگران تبریز بیشتر در چه زمینه هایی سعی کردند که مستقل از هنر چین عمل کنند.

پیشینه تحقیق

در زمینه بررسی تاثیرات سفالگران چین بر هنر ایران تا کنون مطالب بسیاری گفته شده است که سفالینه های چین و ایران را مورد مقایسه قرار داده اند که برخی از آن ها بدین قرار است: حسینی (۱۳۸۹) در «مقایسه تاثیر هنر سفالگری چین بر ایران ادوار تیموری صفوی»، سרمدی (۱۳۸۹) در «تاملی در سفال آبی و سفید چین و ایران در اعصار مینگ و صفویه، زکی محمد (۱۳۸۴) در «چین و هنرهای اسلامی» هنر سفالگری چین را مورد بررسی قرار دادند. وجه تمایز مقاله حاضر با دیگر پژوهش ها در این است که با مقایسه تاثیرات هنرمندان تبریز از چین و نوع برخورد این هنرمندان جهت ایرانیزه کردن این تاثیرات، بتواند به نتایج جالب و قابل توجهی دست یابد.

روش پژوهش

در پژوهش حاضر گردآوری اطلاعات و داده ها به صورت کتابخانه ای انجام شده و مبتنی بر روش تحلیلی-تطبیقی است.

سفال تبریز عهد صفوی

دوره صفوی یکی از دوره های درخشان سفالگری ایران است که در شهرهایی مثل اصفهان، کرمان، مشهد و تبریز به خوبی می توانیم نمونه های این هنر را ببینیم و اولین مصادیق آن را در تبریز که در حقیقت اولین پایتخت صفویان نیز می باشد، یافت شده است. در حقیقت «دوره صفویه شاهد احیای حیرت انگیزی در هنر سفالگری بود. مهارت، سلیقه و قوه ی تشخیص دوره های پیشتر اکنون سفالگران را در وضعیت فوق العاده ای قرار داده بود و بسیاری از اصول هنر آغازین احیا شده بود و در عین حال نیز هیچگونه تقلید یا وابستگی سرسری به اصول سنتی وجود نداشت. سفالگران تا مرز توانایی های خود پیشتازی می کردند و اگر در تحلیل نهایی، تولیدات آنان قابل مقایسه با اصالت گونه های پیشتر یا همتای سبک غنایی و خلاق سده های میانه نیست، این وضعیت به دلیل محدودیت ذاتی عصر و زمان بود که در مسیر پیشرفت، گرفتار خوی جدید شتاب، تظاهر، تن آسانی و نیاز به تولید در کمیت بالا بود. با این حال این

سفالینه ها اغلب واقعا زیبا و تنوع آن حیرت انگیز است و همواره پرداخت موزونی آراسته است که ظرافت فزاینده ای را بازتاب می دهد، کیفیتی که در دوره های پیشتر خواهان کمتری داشت و این خود ثابت می کند که ایرانیان در هنر سفالینه از نبوغ ذاتی بهره داشته اند» (پوپ و اکرم، ۱۳۸۷: ۱۸۷۴).

هنر سفالگری در دوره صفویه از نفوذ هنرهای دیگر بیگانه نبوده و به علت تبادلات با کشورهای دیگر شاهد تاثیرات شگرفی بر ظروف این دوره هستیم. به طور مثال «در قرن دهم هجری شاهان صفوی به نوعی بدل چینی، که به طور مستقیم تحت تاثیر آثار مینگ، ایجاد شده بود، علاقه داشتند و در مقاطعی نیز سفال به طور انبوهی وارد می شد و یا سفالگران ایرانی به تقلید از این سفال ها تولید سفال هایی مشابه این بدل چینی ها پرداختند» (محمدی فر، ۱۳۸۷: ۹۳). در این دوره شاه عباس نقش بسزایی در زمینه ترویج سفال داشته است. «وی با زیرکی و درایت خود تحولی عظیم در هنر و صنعت سفال ایران ایجاد و سبب رشد اقتصادی شد. این امر تا جایی ادامه یافت که در دوران فرمانروایی خود که مصادف با دوران انقراض سلسله مینگ بود و چین دوران گذار خود را از سلسله مینگ به سلسله بعدی را سپری می کرد» (سرمدی، ۱۳۸۹: ۱۱۴). در این میان شهر تبریز از نظر جغرافیایی در منطقه خاصی قرار گرفته بود که مرکز مهم اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در شمال غرب کشور و از مهمترین شهرهای ایران به حساب می آمد و همچنین «اصلی ترین راه های ارتباطی شرق، غرب، شمال و جنوب، از چین و اروپا و از مصر به روسیه از آن عبور کرده و یکی از شهرهای بزرگ بر سر راه جاده ابریشم بوده است. این موقعیت ممتاز و جایگاه ویژه آن در جلگه سرسبز و آباد تبریز، در کنار دریاچه ارومیه، تبریز را همواره مرکزی بزرگ و آباد برای مبادله ساخته است، بی دلیل نیست که هرجا در تاریخ سخن از تبریز می رود، توصیف مفصل و جامعی نیز از بازار آن داده می شود» (اسمعیلی سنگری، ۱۳۵۵: ۳۳) و به گونه ای به گفته مورخ انگلیسی (رابرت گرت و استون)، «تبریز نمایشگاه عمده تجاری ایران بوده است» (واستون، ۱۳۴۸: ۶۷).

کپی برداری محض

در بررسی سفالینه های چین و تبریز می توان براساس شاخصه های مختلف، طبقه بندی متفاوتی را در زمینه کپی برداری سفالگران تبریز از نقوش سفالینه های چین قائل شد که با نگاهی به تقسیم بندی نقوش سفالینه های ایران و چین در مقاله ای تحت عنوان تاملی در سفال آبی و سفید ایران و چین در اعصار مینگ و صفویه از نسیم سرمدی، می توان به دسته های زیر تقسیم کرد:

۱. **نقوش جانوری:** جانوران ماوراطبیعی، جانوران طبیعی، جانوران تلفیقی
۲. **نقوش گیاهی:** گل نیلوفر، گل صدتومانی، درخت های منحنی، شاخه درخت، برته گل
۳. **نقوش انتزاعی:** خطوط شطرنجی، اشکال هندسی (مثلث، دایره، لوزی)
۴. **نقوش انسانی**
۵. **کتیبه نگاره: شعر**
۶. **عناصر طبیعی:** ابرها، آب، صخره و موج که این تقسیم بندی را در جدول شماره ۱ می توان مشاهده کرد. در میان این نقوش، سفالگران تبریز نقوش جانوری، گیاهی، عناصر طبیعی تاثیر بیشتری گرفتند که در ادامه به آنها پرداخته می شود (جدول شماره ۲).

نقوش جانوری

نقوشی که سفالگران تبریز از سفالینه های چین کپی کردند شامل نقوش جانوران طبیعی و ماورا طبیعی می باشد مانند نقش ققنوس و که اصلی ترین نقوش سفالینه های چین و سابقه ای دیرینه در فرهنگ این کشور داشته است.

جانوران ماوراطبیعی

ققنوس: ققنوسی که بر سفالینه های چین نقش شده دارای دم چند پر دراز و دندان دار بوده و بدن این پرنده فلسدار و در تمام ظروف بال ها باز به نمایش درآمده اند (تصویر ۱) و در بشقاب آبی و سفید تبریز این خصوصیات به خوبی قابل مشاهده است (تصویر ۲).

اژدها: نقش اژدها روی سفالینه های چین با بدنی فلسدار نمایش داده شده است (تصویر ۳). در بشقاب آبی سفید تبریز، در مرکز ظرف با نقوش متراکم دو اژدهای به هم پیچیده، یکی به رنگ آبی روشن و دیگری به رنگ آبی تیره با شکم سفید ترین شده است (تصویر ۴).

جانوران طبیعی

اردک: از میان جانوران طبیعی نقش اردک در بین سفالینه های این دو فرهنگ مشاهده شده است که در زمینه ای از گل و گیاه به تصویر کشیده شده است (تصاویر ۶ و ۷).

عناصر طبیعی

عناصری مانند ابر، آب و صخره به صورت موج و با خطوط منحنی و مارپیچ ترسیم شده است و در بیشتر موارد الگوی موج و صخره بر لبه ظروف نقش بسته است (تصویر ۶ و ۷). همچنین نقش ابر چینی در زمینه بشقاب آبی سفید تبریز (تصویر ۸) و در مرکز بشقاب آبی سفید چین قابل مشاهده است (تصویر ۹).

تبریز یکی از مراکز مهم و تحولات اجتماعی و سیاسی کشور بوده و از آنجایی که این شهر بر سر راه مواصلاتی ایران به اروپا قرار داشته، از مزیت های اقتصادی بالایی برخوردار بود. از جمله در زمینه سفال تعاملاتی با مناطقی مثل کوباچه، واقع در داغستان قفقاز و همچنین مناطق عثمانی مثل ایزنیک و کشور چین داشته است.

در گذشته دو کشور ایران و چین به عنوان دو قطب تولیدی و صادرات آبی و سفید به شمار می رفتند؛ با دیدن سفالینه های آبی و سفید برجای مانده، این فرهنگ چین است که در نگاه اول خودنمایی می کند تا فرهنگ دیگر. این امر بیشتر سبب نقوشی است که بر آن آثار نقش شده است. «نقوش چینی بر روی سفالینه های ایرانی نیز نقش شده اما نفوذ نقوش چینی بر روی سفالینه های ایران از جهت تقلید از سفالینه های چینی نبود، بلکه سفالگران ایرانی با مشاهده منسوجات چینی چنین نقشمایه هایی را در آثارشان به کار بردند. با گذر زمان و با ورود سفالینه های آبی و سفید چین به ایران، نفوذ نقوش چینی بر سفالینه های ایران که از طریق منسوجات چینی در قرون ۱۳ و ۱۴ میلادی و ۷ و ۸ هجری صورت گرفته بود، به سبب کاربرد نقوش سفالینه های چینی، این نفوذ تا آنجا اعمال شد که نمونه های کاملاً مشابه سفالینه های آبی سفید چینی، در ایران ساخته شد» (سرمدی، ۱۳۸۹: ۱۱۲). در دوره شاه عباس شاهد اتفاق جدیدی در زمینه سفال هستیم زیرا «تقریباً از زمان به قدرت رسیدن شاه عباس ظروفی تولید شد که اگرچه به سختی ظروف چینی نبود ولی به قدری به سفال های چینی دوره مینگ نزدیک بود که سفالگران به خود جرئت می دادند با ثبت حروف چینی در پشتشان آنها را به عنوان چینی اصل به اروپا صادر کنند» (اکبری، ۱۳۹۳: ۸۴).

در تبریز سفالینه های بر روی بدنه قهوه ای و نخودی کار شده است و از تکنیک لعاب قلع برای ایجاد رنگ سفید بر روی بدنه رسی به رنگ قرمز و نخودی استفاده کردند و روش تزئین سفالینه های کار شده در تبریز نوعی نقاشی زیر لعاب است. در این نوع نقاشی ابتدا بدنه سفالی را در صورتی که قهوه ای بوده با لایه ای از لعاب سفید می پوشانند و بعد بر روی آن نقاشی می کردند و در نهایت لعابی شفاف و شیشه ای روی آن را می پوشانند.

عامل فرم در هر پدیده ای براساس کاربرد آن تعیین می شده است. ظروفی که در تبریز کار شده بیشتر فرم های بشقاب گود و پایه دار، بشقاب هایی با لبه صاف و کاسه بوده است و نقوش سفالینه ها شامل نقوش گیاهی، جانوری، انسانی، انتزاعی، کتیبه نگاره و عناصر طبیعی بوده است.

تأثیرات چین بر سفال تبریز صفوی

بر اساس مطالعاتی که بر روی چند مقاله صورت گرفته، چنین به نظر می رسد که «اکثر نقوش موجود که بر روی سفالینه های آبی و سفید چین نقش شده اند، هر کدام معرف مفهومی نمادین می باشد که ریشه در فرهنگ این سرزمین کهن دارند. مشابه بسیاری از نمونه های سفالینه های آبی و سفید چین دوران مینگ، در دوران صفویه ایران ساخته شده است، که این نمادپردازی را صرف تقلید برای به دست آوردن بازار تجاری در آثارشان نقش می زدند» (سرمدی، ۱۳۸۹: ۱۱۶). این مهم شامل حال هنرمندان سفالگر تبریز بوده و این تأثیرات در زمینه نقوش بکار رفته روی سفالینه ها و همچنین تکنیک ساخت بدنه و لعاب آنها مشاهده می شود.

جدول ۱: نقوش سفالینه‌های تبریز

نقوش گیاهی	جانوران طبیعی	جانوران ماوراء طبیعی	عناصر طبیعی	نقوش انتزاعی	کتیبه نگاره
گل نیلوفر	خرگوش	اژدها	صخره و موج	لانه زنبوری	شعر
گل داوودی	کبک و شاهین	ققنوس	موج آب		
گل صدتومانی	طاووس		ابر چینی		
	اردک				

جدول ۲: کپی برداری محض

نوع نقوش	نقش	تکنیک	تبریز	چین
نقوش جانور طبیعی	اردک	آبی سفید		
نقوش جانوران ماوراء طبیعی	ققنوس	آبی سفید		
	اژدها	آبی سفید		
نقوش گیاهی	گل نیلوفر آبی	آبی سفید		
	گل داوودی	آبی سفید		
عناصر طبیعی	ابر چینی	آبی سفید		
نقوش انتزاعی	لانه زنبوری	آبی سفید		



تصویر ۲: بشقاب آبی سفید، تبریز (www.davidmus.dk)



تصویر ۱: بشقاب آبی سفید با طرح ققنوس، چین (www.alibaba.com)



تصویر ۴: بشقاب آبی سفید، تبریز (www.metmuseum)



تصویر ۳: بشقاب آبی سفید با طرح اژدها، چین، قرن ۱۹ م (www.metmuseum)



تصویر ۷: بشقاب آبی سفید با نقش اردک، چین (metmuseum.org)



تصویر ۶: بشقاب آبی سفید، قرن ۱۶ م، تبریز، (metmuseum.org)



تصویر ۹: بشقاب آبی سفید، چین (metmuseum.org)



تصویر ۸: بشقاب آبی سفید، تبریز (www.vam.ac.uk)

نقش گیاهی

از میان گل‌ها، گل داوودی (تصاویر ۱۲ و ۱۳) و گل صد تومنی در میان سفالینه‌های دو فرهنگ دیده شده است. علاوه بر آن گل نیلوفر آبی بر ظروف دو منطقه نقش شده است (تصاویر ۱۴ و ۱۵).

نقوش انتزاعی

نقش لانه زنبوری بر بدنه داخلی بشقاب‌های تبریز (تصویر ۱۰) و بر قسمتی از یک بطری آبی و سفید چین نقاشی شده است (تصویر ۱۱).



تصویر ۱۲: بشقاب آبی سفید
صفوی، قرن ۱۶م، تبریز (metmuseum.org)



تصویر ۱۱: بطری آبی سفید، چین
(metmuseum.org)



تصویر ۱۰: بشقاب آبی سفید با طرح خرگوش، تبریز
(www.vam.ac.uk)



تصویر ۱۵: کاسه آبی سفید، چین
(metmuseum.org)



تصویر ۱۴: بشقاب آبی سفید، قرن ۱۶م، تبریز
(metmuseum.org)



تصویر ۱۳: بطری آبی سفید مینگ، چین
(metmuseum.org)



تصویر ۱۷: بشقاب آبی سفید، چین (metmuseum.org)



تصویر ۱۶: بشقاب آبی سفید، تبریز (www.vam.ac.uk)

اولین نمونه جدایش

هنرمندان تبریز علاوه بر تقلید از هنرمندان چینی در آثار خود به نوآوری پرداخته و نقوشی را که شامل تلفیقی از نقشمایه های چینی و ایرانی است به کار برده اند و در برخی دیگر از آثار، نقوشی را طراحی کردند که از ریشه های بومی برخوردار بودند. شروع رسیدن به این دستاورد از این طریق حاصل شد که نخست «برخی از مایه های تزئینی را از چین اقتباس کردند و هیچ گونه توجهی به جنبه سمبلیک آن در چین نداشته و آن را تنها به عنوان عنصری زینتی برگرفته و گاه تغییری نیز در شکل آن داده اند» (زکی محمد، ۱۳۸۴: ۶۳). در استمرار این برخورد رفته رفته ما شاهد نقش مایه هایی مانند نوع حیوانات، گیاهان و ثبت شعر بر ظروف سفالینه ها می توان به دسته های زیر تقسیم کرد:

نقوش جانوری

حیواناتی که در ظروف تبریز مشاهده شده خرگوش (تصویر ۱۰)، کبک و شاهین (تصویر ۸)، اردک (تصویر ۶) و طاووس (تصویر ۱۶) است. این حیوانات بر ظروف تبریز نقش شده اند و در ظروف چینی مشاهده نشده و بیشتر حیواناتی که در ظروف چین کار شده است با بدنی فلسدار (تصویر ۱۷ و ۹) نمایش داده شده اند. در صورتی که هنرمندان تبریز سعی بر آن داشتند که هر چه واقع گرایانه تر به نمایش نوع

پوشش بدن هر حیوان پردازند و در این زمینه مستقل از هنر چین عمل کرده اند.

نقوش گیاهی

در بشقاب آبی و سفید با طرح کبک و شاهین نکته جالب توجه در مورد «طراحی ابرهای چینی در قالبی نزدیک به نقوش گیاهی است که با توجه به ساخت آن در ایران نشانگر ترکیب و تلفیق عناصر اسلامی با چینی است» (حسینی، ۱۳۹۳: ۳۰). در قسمت مرکزی بشقاب تصویری از ابر چینی کار شده که مشخص است هنرمند تبریز با اضافه کردن نقش گیاهی به ابر چینی سعی در این داشته است که در زمینه طراحی ابرچینی مستقل از هنرمندان چین عمل کند. در بشقاب دیگری از تبریز در قسمت مرکزی سعی بر آن شده که گل هایی با ترکیب ابر چینی پدید آورند که یک گل در مرکز و پنج گل در اطراف نقش شده است و تمام نقوش به سبک ابرچینی با حرکت سریع قلم مو و با ارزش خطی طراحی شده است (تصویر ۱۸). نقش گیاهی دیگری که هویت ایرانی دارد گل شاه عباسی است که در بشقابی از تبریز و با ویژگی های کاملاً ایرانی بخصوص برگ ها که دارای نوک تیز بوده، کار شده است (تصویر ۱۹). نقش دیگری که می توان در نظر گرفت گل داوودی است که در زمینه از پیچک های موج طراحی شده است (تصویر ۱۲).



تصویر ۱۹: بشقاب گود، قرن ۱۶م، تبریز، (metmuseum.com)



تصویر ۱۸: بشقاب فیروزه ای، قرن ۱۷م، تبریز (metmuseum.org)

ثبت شعر

هنرمندان تبریز تا آنجا پیش رفتند که توانستند مستقل از تأثیرات چین بر روی ظروف، شعر فارسی نقش کنند و از آنجایی که بیشتر فضای داخلی بشقاب‌های ساخت چین از نقوش گل و گیاه پر شده است هنرمندان تبریز سعی کردند بجای استفاده از نقش گل و گیاه از شعر استفاده کنند. در بدنه داخلی ظرف آبی سفید تبریز، دو بیت شعر فارسی مشتمل بر دو مصراع از اشعار حافظ با مضمون:

ساقی به نور باده بیافروز جام ما
مطرب بگو که کار جهان شد به کام ما
و دو مصرع از شاعری دیگر با مضمون:
هرچند غریب و دردمندیم
یاران همه را نیازمندیم
وجود دارد که هر مصرع بوسیله یک برگ از هم جدا شده اند (تصویر ۱۶).

نتیجه‌گیری

از بررسی ظروف سفالی چین و تبریز و با توجه به جدول‌های ۱ و ۲ در می‌یابیم که مهمترین ویژگی‌های مقایسه‌ی سفالینه‌های این دو منطقه در حقیقت تأثیرپذیری سفالگران تبریز از هنر چین بوده که این هنرمندان بیشترین تأثیر را از نقوش سفالینه‌های آبی و سفید چین گرفتند. در ابتدا بدون توجه به اینکه نقوشی که از سفالینه‌های چین کپی برداری می‌کنند مفهومی نمادین در ریشه و فرهنگ بومی آن کشور دارد، به مرور زمان این هنرمندان توانستند علاوه بر تقلید از

هنرمندان چین، در طراحی نقوش به نوآوری پرداخته و نقوشی که تلفیقی از نقشمایه‌های چینی و ایرانی است را به کار ببرند و همچنین نقوشی را بر ظروف طراحی کردند که از ریشه بومی برخوردار بود. این هنرمندان تا آنجا پیش رفتند که مستقل از هنر چین، با ثبت شعر فارسی بر سفالینه‌ها حال و هوایی کاملاً ایرانی به کار بخشیدند به گونه‌ای که در نگاه اول این ظروف کاملاً ایرانی به نظر می‌آیند و در درجه دوم تأثیرات نقوش چین مشاهده می‌شود.

تشکر و قدردانی

از استاد گرامی جناب دکتر عباس اکبری بسیار سپاسگزارم چراکه به دلیل راهنمایی‌های ایشان تأمین این مقاله برایم آسانتر گردید.

منابع و مآخذ

منابع فارسی

پوپ، آرتور و اکرم، فیایس، (۱۳۸۷)، سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز، ترجمه: نجف دریابندی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
محمدی فر، یعقوب، بلمکی، بهزاد، (۱۳۸۷)، هنر سفالگری دوره صفویه، بررسی تکنیک و نقشمایه‌های هنری، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۵، ۱۰۲-۹۳.
سرمدی، نسیم، ترکی باغدارانی، معصومه، (۱۳۸۹)، تاملی در سفال آبی و سفید چین و ایران در اعصار مینگ و صفویه، دو فصلنامه علمی-پژوهشی نقش مایه، سال سوم، شماره ششم، ۱۱۱-۱۲۰.

واستون، گرنت، (۱۳۴۸)، تاریخ ایران دوره قاجار، ترجمه: وحید مازندرانی، تهران: امیرکبیر.

اکبری، عباس، صادقی طاهری، علی، (۱۳۹۳)، بررسی تطبیقی سفال‌های کرمان و مشهد در دوره صفوی و میزان تأثیر آن‌ها از هنر چینی، فصلنامه علمی-پژوهشی نگره، شماره ۲۹، ۷۵-۸۷.

زکی محمد، حسن، (۱۳۸۴)، چین و هنرهای اسلامی، مترجم: غلامرضا تهامی، تهران: فرهنگستان هنر.

حسینی، سید هاشم، (۱۳۹۲)، تجلی سیمرغ در هنر سفالگری دوران اسلامی ایران، نشریه هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی، دوره ۱۸، شماره ۳، ۲۱-۳۴.

منابع الکترونیکی

www.metmuseum.org
www.vam.ac.uk
www.alibaba.com
www.davidmus.dk